

## مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان چندقومیت ایرانی

داریوش جلالی<sup>۱</sup>

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

محمد قاسمی پیربلوطی

استادیار روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

طیبه شریفی

استادیار روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

### چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی شامل خلق‌وخو، برون‌گرایی، هیجان‌طلبی، انگیزش پیشرفت و جایگاه مهار در دانشجویان چند قومیت ایرانی بود. پژوهش به روش علی-مقایسه‌ای بود. تعداد ۲۲۶ دانشجوی دختر و پسر از واحدهای دانشگاه جامع علمی-کاربردی از چهار شهر با گویش‌های ترکی، فارسی، کردی و لری به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه خلق‌وخو (باس و پلامین، ۱۹۸۴)، فرم کوتاه مقیاس برون‌گرایی پرسشنامه پنج عاملی (مک‌کرای و کاستا، ۱۹۹۲)، هیجان‌طلبی (زاکرمین، ۱۹۶۹)، انگیزش پیشرفت (ادواردز، ۱۹۵۳) و جایگاه مهار درونی-بیرونی (نویکی و استریکلند، ۱۹۷۳) را تکمیل کردند. نتایج حاصل از تحلیل مانوا بیانگر آن بود که میانگین نمرات برون‌گرایی و جایگاه مهار در بین دانشجویان قومیت‌های مختلف با یک‌دیگر تفاوت معنادار داشته است؛ در حالی که میانگین نمرات خلق‌وخو، هیجان‌طلبی و انگیزش پیشرفت دانشجویان قومیت‌های مختلف تفاوت معناداری با یک‌دیگر نداشته‌اند. نتایج آزمون تعقیبی LSD نیز نشان داد که دانشجویان قومیت لر در مقیاس برون‌گرایی و جایگاه مهار بیرونی نمرات بالاتر و دانشجویان قومیت فارس در جایگاه مهار بیرونی نمرات کم‌تری در مقایسه با دانشجویان دیگر قومیت‌ها به دست آوردند. هم‌چنین دانشجویان پسر میانگین نمرات هیجان‌طلبی و انگیزش پیشرفت بالاتری را نشان دادند. دانشجویان متعلق به قومیت‌های ایرانی در برخی از ویژگی‌های شخصیتی از قبیل برون‌گرایی و جایگاه مهار با یک‌دیگر تفاوت دارند.

۱. نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: [daruosh\\_jalali@yahoo.com](mailto:daruosh_jalali@yahoo.com)

آدرس پستی: ایران، شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، گروه روان‌شناسی

وصول: ۱۳۹۴/۰۲/۰۸ - پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۰۱

واژه‌های کلیدی: خلق و خو، برون‌گرایی، انگیزش پیشرفت، جایگاه مهار، اقوام ایرانی.

## A Comparative Study of Personality Characters among University Students from Some Iranian Ethnicities

Jalali, D., Ghasemi PirBalooti, M., Sharifi, T.

(Received; 28 Apr, 2015-Accepted; 22 Nov, 2015)

### Abstract

The aim of this study was to compare personality characters such as temperament, extroversion, sensation seeking, achievement motivation, and locus of control among university students of Iranian ethnicities. To carry out this causal - comparative research, a sample of 226 university students were selected randomly from four cities with Turkish, Persian, Kurdish and Lorry dialect. The participants were asked to complete temperament (Buss and Pellamin, 1984), brief extroversion scale of five big factors (McCrae and costa, 1992), sensation seeking (Zukerman, 1969), achievement motivation (Edvardz, 1953) and locus of control (Nowicki and Strickland, 1973) questioners. The results of MANOVA showed that there is significant differences among university students of ethnics in extroversion and locus of control ( $P < .05$ ), but there is no significant differences among university students of ethnicities in sensation seeking, temperament and achievement motivation ( $P > .05$ ). The results post hoc LSD test showed that Lor ethnicity students got higher scores in extroversion and external locus of control, but Persian ethnicity students got lowest scores in external locus of control. Furthermore, the results revealed that male students got higher scores in sensation seeking and achievement motivation ( $P < .01$ ). Regarding with the results of the current study, we can conclude that there are some differences between some personality characters of university students from different Iranian ethnicities.

**Keywords:** Temperament, Extroversion, Achievement motivation, Locus of control, Iranian's ethnicities.



## مقدمه

روان‌شناسان شخصیت اغلب تفاوت‌های فردی را محوری‌ترین موضوع بررسی و مطالعه شخصیت قرار می‌دهند (رایکمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸) و بر اساس دو مفهوم هسته و پوسته<sup>۲</sup> (مدی<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹) تفاوت‌های فردی را تبیین می‌کنند؛ لیکن انسان‌شناسان در مطالعات خود، معمولاً سه مفهوم اساسی طبیعت (خارجی و انسانی)، فرهنگ و شخصیت را وارد می‌کنند و از درهم آمیختن این سه عامل، نظریه‌ای تحت عنوان «شخصیت اساسی»<sup>۴</sup> مطرح می‌کنند که عبارت است از وجه مشترکی که بین همه افراد یک گروه وجود دارد. یعنی آنچه معرف یک جامعه، یک قوم یا یک کشور است، چیزی جز شخصیت اساسی آن‌ها نیست (فرید، ۱۳۷۲؛ احمدی، ۱۳۸۶). در دنیای واقعی نیز به هیچ وجه نمی‌توان فرهنگ و شخصیت را از یک‌دیگر جدا کرد. در یک جامعه، جریان‌های فرهنگی در دو سطح خصوصی و عمومی وجود دارند که باعث می‌شوند افراد یک گروه، قوم یا حتی یک جامعه علی‌رغم تفاوت‌های فردی یا جریان‌های خصوصی که با یک‌دیگر دارند، ویژگی‌های مشترک و مشابهی را که هم متأثر از فرهنگ است و هم بر فرهنگ تأثیر می‌گذارند، بروز دهند (کاپلان و سادوک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵).

روان‌شناسی فرهنگی نیز این موضوع را مطرح می‌کند که هرچند فرهنگ هر جامعه‌ای بر رفتار، احساسات و تفکرات افرادی که در آن جامعه زندگی می‌کنند، تأثیر پایداری بر جای می‌گذارد، این تأثیر بر همه افراد به صورت یک‌سان تجربه نمی‌شود (هاگان و هریس‌باند<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹؛ استیونسون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰). البته این دلیل نمی‌شود که آن دسته از ویژگی‌های عمومی و مشترک فرهنگی که بانی آن ساختارهای ادراکی، شناختی و عاطفی مشترک بین انسان‌ها است شکل نگیرند. به همین اعتبار، روان‌شناسی بین فرهنگی<sup>۸</sup> نیز

1. Rykman
2. core and periphery
3. Maddi
4. basic personality
5. Kaplan & Sadock
6. Hagan & Harris Bond
7. Stevenson
8. cross-culture psychology

بحث تفاوت‌ها و شباهت‌های روان‌شناختی بین اعضای گروه‌های قومی- نژادی<sup>۱</sup> یا اصطلاحاً خرده فرهنگ‌ها<sup>۲</sup> را بررسی می‌کند (لی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰).

مطالعات بین‌فرهنگی، یافته‌های قبلی روان‌شناسان مبنی بر جهان‌شمول بودن صفات شخصیت را تا حدود زیادی با تردید مواجه ساخته، بیش از پیش، بر نقش فرهنگ در شکل‌گیری شخصیت تأکید کرده‌اند (دوایری<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). تعدادی از این مطالعات بیانگر آن هستند که نظریه‌های شخصیتی که تاکنون ارائه شده‌اند، بازگوکننده طبیعت واقعی انسان نیستند و بیش‌تر عقاید و دیدگاه‌های جوامع آمریکایی و اروپایی را آشکار می‌کنند (مارکیس<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ چینگ، چارچ، کتیک‌بک، لوکی، وارگاس‌فلورس و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳؛ گوکسن، فومهام، ماورولی و پتریدس<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴).

سؤال اساسی مطالعات بین‌فرهنگی که امروزه بخش مهمی از مطالعات روان‌شناسی شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی را شامل می‌شود، این است که آیا ابعاد<sup>۸</sup> شخصیت در درجه اول بر پایه‌های بیولوژیکی استوار شده‌اند یا به وسیله فرهنگ پدید می‌آیند (کوستا و مک‌کرای<sup>۹</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از چارچ و کتیک‌بک<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵؛ ورکویتن<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۵). در واقع، یافته‌های جدید نشان داده‌اند در عین حال که افراد به لحاظ ساختارهای ژنتیکی و سرشتی دارای خوی و خصالت‌های منحصر به فردی هستند، بین افراد یک گروه، قوم یا فرهنگ به دلیل ویژگی‌های مشترک، برخی تشابهات دیده می‌شود. بنابراین، در مطالعات بین‌فرهنگی خصیصه‌های فردی مشترک بررسی می‌شوند (ماتسوم<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۸). پدرسن<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۰) در زمره اولین افرادی بود که لزوم نگرستن به شخصیت به مثابه یک

1. ethnic - racial
2. subcultuers
3. Leigh
4. Dwairy
5. Markis
6. Chinga, Churcha, Katigbaka, Locke, Vargas-Flores et al.
7. Gökçen, Furnham, Mavroveli & Petrides
8. dimensions
9. Costa & McCrae
10. Church & Katigbak
11. Verkuyten
12. Matsum
13. Pedersen



رویکرد چند فرهنگی<sup>۱</sup> را مطرح ساخت. به زعم وی، دیدگاه چند فرهنگی از آن‌چنان غنا و اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را به مثابه نیروی چهارم در روان‌شناسی و هم‌ارز جریان‌های روان‌پویشی، رفتارگرایی و انسان‌گرایی دانست که در زمان خود کاملاً بر نظریه‌ها و موضوعات علمی حوزه‌های مختلف روان‌شناسی احاطه داشتند؛ در عین حال که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، مانند آسیا، حتی از یک عامل هم فراتر می‌رود و به صورت یک فراعامل<sup>۲</sup> جلوه می‌نماید (سیمانowitz و پیرس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳).

لازم به ذکر است که قبل از این که مطالعات بین فرهنگی پا بگیرند، جریان‌های فمینیستی<sup>۴</sup> تصورات کلی روان‌شناسان پیرامون شباهت بین زنان و مردان را یک‌سره به چالش کشیده بودند. این تحقیقات که عمدتاً توسط روان‌شناسان فمینیست انجام شده است، بیانگر آن است که تفاوت‌های جنسیتی که قبلاً در سطح تفاوت‌های جزئی و فرهنگی - اجتماعی تصور می‌شد، بسیار گسترده‌تر و جدی‌تر از آن چیزی است که در ابتدا به نظر می‌آمد (گیلیگان<sup>۵</sup>، ۱۹۸۲، نقل از رایکمن، ۲۰۰۸). بر این پایه، برخی روان‌شناسان با نگرش به نتایج به دست آمده از مطالعه تفاوت‌های جنسیتی، وجود و اهمیت تفاوت‌های بین فرهنگی را برجسته ساختند (مارکوس و کیتایاما<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸). دوایری (۱۹۹۷) نیز با تبحر دو مفهوم سوگیری آلفا و بتا<sup>۷</sup> را که قبلاً توسط هری-موسستین و مارسک<sup>۸</sup> (۱۹۸۸) در باب سوگیری‌های جنسیتی به کار رفته بود، در خصوص تفاوت‌های بین فرهنگی به کار گرفته، اهمیت مطالعه تفاوت‌های فرهنگی را به عنوان یک موضوع نسبی و نه مطلق، گوشزد کرده است. سوگیری آلفا در خصوص تفاوت‌های جنسیتی یا فرهنگی راه افراط را در پیش می‌گیرد و این تفاوت‌ها را بسیار گسترده و عمیق جلوه

1. multicultural
2. metafactor
3. Simanowitz & Pearce
4. feminism
5. Gilligan
6. Markus & Kitayama
7. alpha and beta biases
8. Hare- Mustin & Marecek

می‌دهد؛ حال آن‌که سوگیری بتا هرگونه تفاوت اعم از جنسیتی یا فرهنگی را انکار می‌کند (به نقل از دوایری، ۲۰۰۶).

همان‌طوری که موضوع تفاوت‌های جنسیتی موجب مطرح شدن تفاوت‌های فرهنگی شد، مطالعات بین‌فرهنگی نیز اهمیت و لزوم بررسی تفاوت‌های نژادی - قومی را به دست داد (رایکمن، ۲۰۰۸). قومیت، جمعی است در درون جامعه‌ای بزرگ‌تر که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشت، مشترک و دارای تأکیدات فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی است که بر اساس آن، هویت گروه تعریف می‌شود (احمدی، ۱۳۸۶). در واقع، قومیت یک موضوع فرهنگی و زمینه‌ای به حساب می‌آید که این زمینه مسایل مشترکی مانند زبان، گویش، مذهب، آداب و رسوم، موسیقی و غیره را در برمی‌گیرد (یه و اینوز، ۲۰۰۲).

از سوی دیگر، مطالعه و پژوهش پیرامون شخصیت طی نیم قرن اخیر، دست‌خوش تغییرات اساسی شده است. از جمله: ۱. نظریه‌های شخصیتی که در خلال سه دهه اخیر ارائه شده‌اند، بر خلاف نظریه‌های کلاسیک موسوم به نظریه‌های بزرگ<sup>۲</sup> به دنبال تبیین همه جنبه‌های روان انسان نیستند و صرفاً سعی دارند که شخصیت را از یک یا چند جنبه محدود<sup>۳</sup> مطالعه کنند (شولتس و شولتس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹)؛ ۲. نظریه‌های جدید بر عوامل: الف. بیولوژیکی، سرشتی<sup>۵</sup> و تکاملی<sup>۶</sup>؛ ب. تفاوت‌های فرهنگی؛ ج. تفاوت‌های جنسیتی و د. تفاوت‌های قومی - نژادی تأکید ویژه‌ای دارند (رایکمن، ۲۰۰۸).

از بین نظریه‌های شخصیتی حیطه محدود که طی نیم قرن اخیر مطرح شده‌اند، نظریه‌های «خلق و خو»<sup>۷</sup> باس و پلامین<sup>۸</sup> (۱۹۸۴)، «هیجان‌طلبی»<sup>۹</sup> زاگرمین<sup>۱۰</sup> (۱۹۶۹)،

1. Yeh & Inose
2. grand theories
3. a focus on a limited domain
4. Schoults & Schoults
5. temperamental
6. evolutionary theory
7. temperament
8. Buss & Plomin
9. sensation seeking
10. Zukerman



«انگیزش پیشرفت»<sup>۱</sup> مک‌کلند<sup>۲</sup> (۱۹۵۲)، «جایگاه مهارت»<sup>۳</sup> (راتر<sup>۴</sup>، ۱۹۵۲) و «درون‌گرایی - برون‌گرایی»<sup>۵</sup> از نفوذ قابل توجهی برخوردارند (نقل از کلونینجر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). این نظریه‌ها علاوه بر ویژگی‌های یادشده، هم بر عوامل سرشتی و هم بر عوامل یادگیری اجتماعی تأکید می‌کنند. با این حال، اگر قرار باشد درباره ویژگی‌های سرشتی شخصیت بحث شود، خلق‌وخو بیش از دیگر مفاهیم می‌تواند به توصیف و تبیین این موضوع کمک کند. خلق‌وخو به عنوان پایدارترین صفت شخصیتی، یک مجموعه رفتارها و تفاوت‌ها را در بر می‌گیرد که در میزان تحرک افراد از نظر درون‌گرایی-برون‌گرایی، هیجان‌طلبی و شدت عاطفه نقش دارند که بر اساس تحریک‌پذیری مغز و سیستم عصبی خودمختار تعیین می‌شوند (استرلائو و زاوادزکی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵؛ کاگان و اسنیدمن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹). در خصوص خلق‌وخو در فرهنگ‌های مختلف تحقیقات پراکنده‌ای انجام شده است که البته بیش‌تر بر ابعاد خلق‌وخو، مانند اجتماع‌پذیری و هیجان‌طلبی متمرکز شده‌اند تا بر خلق‌وخو به عنوان یک صفت کلی. با این حال، این مطالعات نشان داده‌اند که بین خلق‌وخوی افراد متعلق به گروه‌های مختلف تفاوت اساسی وجود دارد (کاگان و رزنیك<sup>۹</sup>، ۱۹۸۳؛ دی‌بو و کلک<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷).

برون‌گرایی نیز به عنوان صفت اصلی خلق‌وخو، یکی از علل مهم تفاوت‌های فردی به حساب می‌آید. برون‌گرایی به‌مثابه یکی از اولین ویژگی‌های شخصیتی ابتدا توسط یونگ مطرح شد (وایلد<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱) و سپس در نظریه‌های شخصیتی آیزنک<sup>۱۲</sup> و کوستا و مک‌کرای (آزمون پنج‌عاملی نئو)، البته با تذکر تفاوت‌های ماهوی از سوی

1. achievement motivation
2. McClelland
3. locus of control
4. Rotter
5. introversion - extroversion
6. Cloninger
7. Strelau & Zawadzki
8. Kagan & Snidman
9. Reznick
10. De Boo & Kolknv
11. Wilde
12. Eysenck

آیزنک، پی گرفته شد (حق‌شناس، ۱۳۸۸؛ کلونینجر، ۲۰۰۴). برون‌گراها افرادی اجتماعی هستند و دوست‌دار معاشرت و برقراری ارتباط با دیگرانند. در عمل قاطع، فعال، حرّاف و اهل گفت‌وگو هستند. هیجان و تحرک را دوست دارند و نسبت به موفقیت در آینده خوش‌بین هستند. پژوهش‌ها در خصوص برون‌گرایی قومیت‌ها و گروه‌های مختلف نشان‌دهنده بخشی از نتیجه کلی تحقیقات مرتبط با فردگرایی غربی‌ها در مقابل جمع‌گرایی شرقی‌ها به حساب می‌آید (یاگ‌مورلو و سانسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

علت مهم دیگر تفاوت‌های فردی میان افراد، هیجان‌طلبی است که به تجربه هیجان‌های مختلف مربوط است. هر چند هیجان‌طلبی ابتدا توسط آیزنک به عنوان یک ویژگی همبسته با برون‌گرایی توصیف شد، زاكرمن (۱۹۷۹) هیجان‌طلبی را به‌مثابه یک خصلت تعریف می‌کند که نیاز به تجارب و احساس‌های گوناگون، پیچیده، بدیع و بی‌سابقه و تمایل به خطرجویی را شامل می‌شود (زاكرمن، ۲۰۰۳). به اعتقاد زاكرمن (۲۰۰۵)، ساختار هیجان‌طلبی به مقدار انگیزتگی که دستگاه عصبی مرکزی شخص (مغز و نخاع شوکی) از منابع بیرونی تحریک نیاز دارد، مربوط می‌شود که بر اساس خلق‌وخو نیز پیش‌بینی‌پذیر است. به‌طور کلی، افراد هیجان‌طلب دارای ویژگی‌هایی هم‌چون برون‌گرایی، خودمختاری، جسارت و ناهماهنگی هستند؛ در نگرش‌های مذهبی و سیاسی بیش‌تر به آزاداندیشی تمایل دارند؛ در برابر موقعیت‌های مبهم تحمل بیش‌تری از خود نشان می‌دهند (شولتس و شولتس، ۲۰۰۹). نکته مهم این است که این مطالعات نشان داده‌اند که وابستگی‌های شدید قومی و نژادی انگیزه ارتباط افراد با دیگر فرهنگ‌ها را تضعیف می‌کنند و حتی ممکن است از رفتارهای هیجان‌طلبی مثبت هم‌چون ایجاد دوستی‌های بین فرهنگی جلوگیری به عمل آورند (وروبی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱).

مفهوم انگیزش پیشرفت آن‌گونه که مورد توجه مک‌کلند (۱۹۵۳) قرار گرفت، این باور را تقویت می‌کند که نیاز به پیشرفت سایقی است که می‌تواند رفتار را تقریباً در تمام موقعیت‌ها نیرومند سازد و هدایت نماید. بر این اساس، مک‌کلند (۱۹۵۶) بیش از

1. Yagmurlu & Sanson  
2. Worobey





آن که قصد تبیین یک مفهوم بیولوژیکی را داشته باشد، به دنبال یک ویژگی فرهنگی و کلان است که به وسیله آن بتواند پیشرفت، عدم پیشرفت و حتی زوال فرهنگ‌های مختلف را توجیه و تبیین نماید (رایکمن، ۲۰۰۸). هرچند نتایج برخی مطالعات، مبانی عصب‌شناختی انگیزش پیشرفت را با استفاده از روش تصاویر مغناطیسی تشدیدشده کارکردی<sup>۱</sup> (fMRI) تأیید کرده‌اند (میزونو، تاناکا، ایسهی و طانب<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸)، به نظر می‌رسد که انگیزش پیشرفت در طول تاریخچه علمی- پژوهشی خود بیش‌تر به عنوان یک ویژگی فرهنگی-اجتماعی مطرح بوده است. مک کلند (۱۹۶۱) نشان داد که سطح نیاز به پیشرفت افراد یک ملت با سطح رشد و رفاه اقتصادی آنان ارتباط دارد. یافته‌های او بر خلاف پژوهش‌های قبلی بود که تأثیر جامعه را بر فرد و شخصیت بررسی می‌کردند. در این پژوهش که ۱۲ کشور پروتستان با ۱۳ کشور کاتولیک مقایسه شدند، آشکار شد که کشورهای پروتستان به لحاظ انگیزه پیشرفت بالاتر، نسبت به کشورهای کاتولیک به پیشرفت‌های علمی و اقتصادی بالاتری دست یافته‌اند (شولتس و شولتس، ۲۰۰۹).

جایگاه مهار نیز که عمدتاً به جایگاه مهار درونی اشاره دارد، ناظر است بر این که فرد کنترل شخصی خوب و مؤثری بر خود و محیط خویش اعمال کند (چاپمن، اسکینر و بلتز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰؛ پانل و کلاکسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). نتایج مطالعاتی که در خصوص جایگاه مهار درونی- بیرونی انجام شده است نشان می‌دهد که در کسب نمره‌های مقیاس جایگاه مهار درونی- بیرونی، تفاوت‌های نژادی، اجتماعی و اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کنند. در مجموع، افراد طبقه‌های پایین جامعه و اقلیت‌ها، جایگاه مهار بیرونی را بیش‌تر نمایان می‌کنند (رایکمن، ۲۰۰۸). در یک تحقیق بر سه گروه از افراد چینی، مالزیایی و هندی ساکن سنگاپور مشخص شد که بین گروه‌ها در برخی از ویژگی‌های مانند تفکر واگرا و جایگاه مهار تفاوت وجود دارد (چه‌یونگ، چه‌یونگ، هاوارد و هونگ‌لیم<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶). بشردوست تجلی و نوشین فرد (۱۳۸۲) نیز با مطالعه جایگاه مهار درونی- بیرونی گیلکی‌ها و

1. functional magnetic resonance imaging (fMRI)
2. Mizuno, Tanaka, Ishii & Tanabe
3. Chapman, Skinner & Baltes,
4. Pannells & Calaxton
5. Cheung, Cheung, Howard & Hong lim

آذری‌ها دریافتند که آذری‌ها در مقایسه با گیلکی‌ها گرایش بیش‌تری به جایگاه مهار درونی دارند.

در مجموع، عمده مطالعات فرهنگی و بین فرهنگی انجام‌شده در راستای دو ویژگی کلی فردگرایی غربی‌ها در مقابل جمع‌گرایی شرقی‌ها قرار داد که در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش‌های سینگلس<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) بر عبرانی‌ها، مارکوس و کیتایا (۱۹۹۸) و بروان<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) بر ژاپنی‌ها، فیسک و کایتجی‌باشی<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) بر ترک‌ها، یه و اینوز (۲۰۰۲) بر کره‌ای‌ها، چارچ و کتیگ‌بک (۲۰۰۵) بر فیلیپینی‌ها و دوایری (۲۰۰۲) بر اعراب فلسطینی اشاره کرد. نتایج این مطالعات بیانگر آن است که جمع‌گرایی شرقی، با شدت و ضعف، وجود دارد و طی آن ویژگی‌هایی هم چون نبود استقلال فردی، اتکا به خانواده یا قبیله، تأثیرپذیری بیش‌تر از موقعیت‌ها و هنجارهای اجتماعی به جای صفات پایدار درونی، اهمیت بیش‌تر به منافع جمعی، تجربه هیجان‌های دگرمحوری، مانند احساس همدلی یا شرم، به جای هیجان‌های خودمحوری وجود دارد و بر اغلب ویژگی‌های دیگر شخصیت مانند برون‌گرایی، اجتماعی بودن و... نفوذ دارد. برخی مطالعات دیگر نیز بر ویژگی‌ها و تفاوت‌های نژادی تأکید کرده‌اند (سیمانوویتز و پیرس، ۲۰۰۳؛ استاپر، فان‌دی ویجور، لیندرت و فونتاین<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴؛ دانکل، ریوی، وودلی و ون‌درلیندن<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵).

علاوه بر مطالعه ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی که بر افراد متعلق به قومیت‌های مختلف انجام شده است، پاره‌ای مطالعات دیگر، بر تفاوت قومیت‌ها از نظر آسیب‌پذیری روان‌شناختی و شخصیتی و حتی کیفیت و نحوه درمان مورد تأکید کرده‌اند (کیم و چائو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). این موضوع باعث طرح نظریه‌های بعضاً منازعه‌آمیزی مانند نظریه لاین<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) شده است. وی این ادعا را مطرح می‌کند که اختلال شخصیت روان‌پزش

1. Singelis

2. Brown

3. Fiske & Kagitcibasi

4. Stupar, Van de Vijver, Lindert & Fontaine

5. Dunkel, Reeve, Woodley & Van der Linden

6. Kim & Chao

7. Lynn



را می‌توان در برخی گروه‌های قومی- نژادی همانند یک خصلت توزیع شده پیوستاری<sup>۱</sup> مفهوم‌سازی کرد. به طوری که توزیع آن بین سیاه‌پوستان، زیاد؛ اسپانیولی‌ها، متوسط؛ سفیدپوستان، کم؛ و آسیای شرقی‌ها بسیار کم است (سلبی و جوینر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). این موضوع به نوبه خود بر درمان و نحوه پاسخ به درمان نیز تأثیر می‌گذارد (استین، کاری، هرش و برلند- نوبل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰).

البته در مجموع، به دلیل ایرادات روش‌شناختی و محتوایی که به این گونه نظریه‌ها و تحقیقات وارد است، پذیرش آن‌ها به صورت عام با تردید مواجه شده است (اسکیم، ایدنز، سنفورد و کولول<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). همسو با این ایرادات، زاگرم (۲۰۰۳) پس از مرور چندین مطالعه قومی- نژادی نشان داد که تفاوت‌های مشاهده‌شده در هیجان‌طلبی، روان‌پریشی و غیره بیش‌تر به عوامل اجتماعی و محیطی مانند پایگاه اجتماعی، اقلیت بودن یا اکثریت بودن و برخورداری یا برخوردار نبودن از امکانات مربوط است تا ویژگی‌های ژنتیکی و نژادی.

به هر حال، خلق‌و‌خو، برون‌گرایی و هیجان‌طلبی از جمله ویژگی‌های شخصیتی هستند که تا حدود زیادی خاستگاه بیولوژیکی دارند و عمدتاً به صورت سرشتی شکل می‌گیرند. در مقابل، جایگاه مهار و انگیزش پیشرفت دو ویژگی یادگیری اجتماعی هستند که بیش‌تر تحت تأثیر یادگیری و اکتساب قرار دارند (شولتس و شولتس، ۲۰۰۹). البته این بدان معنا نیست که سه ویژگی اول تحت تأثیر یادگیری قرار ندارند؛ یا دو ویژگی آخر اصلاً سرشتی نیستند. هرچند در وهله اول به نظر می‌رسد که با توجه به اشتراکاتی مانند زبان رسمی فارسی، دین اسلام، پرچم و غیره که بین قومیت‌های مختلف ایرانی وجود دارد، احتمال تفاوت، آن گونه که در مطالعات بین فرهنگی و قومی- نژادی خارجی مطرح شده است، وجود ندارد. لیکن، آگاهی از هرگونه تفاوت - ولو جزئی - به ارائه خدمات بهداشت روان و طرح‌ریزی مداخلات درمانی مطلوب‌تر به گروه‌های مورد مطالعه و دیگر

1. continuously distributed trait
2. Selby & Joiner
3. Stein, Curry, Hersh & Breland -Noble, A
4. Skeem, Edens, Sanford & Colwell

گروه‌ها منجر می‌شود. هدف اصلی پژوهش این بود که ویژگی‌های سرشتی و اکتسابی شخصیت شامل خلق و خو، برون‌گرایی، هیجان‌طلبی، انگیزش پیشرفت و جایگاه مهار دانشجویان دختر و پسر متعلق به قومیت‌های ترک، فارس، کرد و لر را بررسی کند.

## روش

روش انجام این تحقیق علی-مقایسه‌ای<sup>۱</sup> بود.

**جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری:** جامعه‌ی آماری پژوهش شامل چهار گروه از دانشجویان متعلق به قومیت‌های ترک، فارس، کرد و لر مشغول به تحصیل در واحدهای دانشگاه جامع علمی-کاربردی مستقر در چهار شهر با گویش اصلی ترکی، فارسی، کردی و لری در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ تشکیل داده‌اند که جز برای مسافرت و خروج موقت شهر خود را ترک نکرده، در منزل به زبان مادری صحبت می‌کردند و پدر و مادر آنان نیز به همان زبان صحبت می‌کردند (یعنی مسایل فرهنگی مربوط به آن زبان در خانواده و شهر محل سکونت و فضای زندگی دانشجویان حاکم بود). انتخاب مراکز علمی-کاربردی به این دلیل بود که این مراکز در شهرهای کوچک نیز مستقرند و عمده دانشجویان آن‌ها بومی هستند؛ لذا امکان انتخاب افرادی که کاملاً با گویش‌های مورد نظر پژوهش صحبت کنند، فراهم بود.

نمونه‌گیری به صورت تصادفی چندمرحله‌ای انجام شد. به این ترتیب که از بین شهرهای کمتر از ۱۰۰ هزار نفری در هر یک از چهار استان اردبیل (خلخال)، اصفهان (تیران)، کردستان (دیوان‌دره) و لرستان (الیگودرز) که ساکنان آن کاملاً با گویش اصلی آن استان صحبت می‌کنند و دارای مرکز علمی-کاربردی بودند، یک شهر انتخاب شد. سپس با مراجعه به واحدهای دانشگاه جامع علمی-کاربردی در هر یک از شهرها، از بین دانشجویان مقطع کاردانی که مشخصات پیش‌گفته را به صورت کامل دارا بودند، تعداد ۶۰ دانشجو (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) انتخاب شدند. بدین ترتیب در مجموع تعداد ۲۴۰ دانشجو پرسش‌نامه‌های پژوهش را تکمیل کردند که در جریان بررسی و وارد کردن داده‌ها، اطلاعات تعداد ۱۴ دانشجو که فاقد یک یا چند ملاک از ملاک‌های اولیه ورود به



پژوهش بودند، از تحلیل کنار گذاشته شد و تجزیه و تحلیل نهایی بر ۲۲۶ دانشجوی انجام شد که تعداد آن‌ها به این صورت بود (قوم ترک ۵۴ نفر شامل ۲۸ دختر و ۲۶ پسر؛ قوم فارس ۵۹ نفر شامل ۲۹ دختر و ۳۰ پسر؛ قوم کرد ۵۵ نفر شامل ۲۸ دختر و ۲۷ پسر، و قوم لر ۵۸ نفر شامل ۳۰ دختر و ۲۸ پسر).

## ابزار:

**مقیاس برون‌گرایی<sup>۱</sup>:** این مقیاس بر اساس فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو استفاده شد. فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی توسط خود کاستا و مک‌کرای<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) تدوین کنندگان پرسش‌نامه اصلی تهیه شده، دارای ۶۰ جمله است که برای هر یک از ویژگی‌های پنج‌گانه و از جمله ویژگی برون‌گرایی ۱۲ جمله در نظر گرفته شده است. با این حال برای افزایش روایی و پایایی مقیاس، هر ۶۰ سؤال نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسش‌نامه توسط حق‌شناس (۱۳۸۸) برای جمعیت ایرانی هنجاریابی شده است و روایی و اعتبار آن همانند نسخه اصلی در سطح قابل قبول گزارش شده است. مک‌کرای و کاستا (۲۰۰۴) روایی هم‌گرای پرسش‌نامه اصلی برای کل خرده‌مقیاس‌ها را از ۰/۵۶ تا ۰/۶۲ گزارش کرده‌اند و از طریق همبسته کردن دو فرم کوتاه و بلند نیز، خرده‌مقیاس برون‌گرایی برابر با ۰/۷۵ به دست آمده است (به نقل از حقیقی، شکرکن، شهنی‌بیلاق و نیسی، ۱۳۸۵). در مطالعات داخلی نیز پایایی مقیاس ۰/۸۷ و ویژگی برون‌گرایی برابر با ۰/۸۴ گزارش شده است (حقیقی و همکاران، ۱۳۸۵). محمدی (۱۳۸۷) نیز پایایی فرم کوتاه پرسش‌نامه را بر معلمان ایرانی برابر با ۰/۷۵ و بر معلمان هندی برابر با ۰/۷۸ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این ویژگی بر یک نمونه مقدماتی مشتمل بر ۴۴ نفر از دانشجویان جامعه هدف و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۸ و از طریق بازآزمایی به فاصله دو هفته برابر با ۰/۷۳ به دست آمد.

**مقیاس خلق‌وخو<sup>۳</sup>:** باس و پلامین (۱۹۸۴) پس از تدوین نظریه خود درباره خلق‌وخو این مقیاس را برای بررسی خلق‌وخوی افراد بزرگ‌سال طرح‌ریزی کردند. مقیاس دارای

1. Extraversion Scale
2. Costa, & McCrae
3. Temperament Scale

۲۰ گویه است که بر یک طیف از یک تا پنج نمره گذاری می‌شود. روایی و پایایی این پرسش‌نامه توسط باس و پلامین (۱۹۸۴) و در مطالعات دیگر تأیید شده است (لارا، لورنز، بوربا، کارلوس، سیلویراب<sup>۱</sup> و همکار، ۲۰۰۸). در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۴ و از طریق بازآزمایی به فاصله دو هفته برابر با ۰/۶۹ به دست آمد. تحلیل عاملی پرسش‌نامه نیز سه عامل اصلی اجتماع‌پذیری، هیجان‌طلبی و شدت عاطفه را با بار عاملی مناسب از ۰/۳۳ تا ۰/۵۱ نشان داد.

**پرسش‌نامه هیجان‌طلبی<sup>۲</sup>:** این پرسش‌نامه برای بررسی تفاوت‌های فردی در زمینه سطح بهینه تحریک و برانگیختگی تهیه شد. شکل پنجم پرسش‌نامه که در این پژوهش به کار رفت، برای ارزشیابی عوامل هیجان‌طلبی تهیه شده، از چهار عامل فرعی هیجان‌زدگی و ماجراجویی، تجربه‌جویی، بازداری‌زدایی و بی‌زاری از یک‌نواختی تشکیل شده است و دارای ۴۰ مقوله دو بخشی است که پاسخ‌دهنده یکی از این دو بخش را انتخاب می‌کند. زاگرم (۱۹۶۹) اعتبار این پرسش‌نامه را ۰/۸۳ تا ۰/۸۶ گزارش کرده است (به نقل از احقر، حسینی، اکبری و شریفی، ۱۳۸۸). در ایران نیز گدازنده (۱۳۷۸) اعتبار پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ عنوان کرده است (احقر و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر نیز اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، بازآزمایی و دونیمه کردن آزمون به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۷۱ و ۰/۶۸ محاسبه شد. تحلیل عاملی نیز چهار خرده‌مقیاس آزمون را با بار عاملی مناسب از ۰/۲۶ تا ۰/۴۳ نشان داد.

**پرسش‌نامه جایگاه مهار درونی- بیرونی نوویکی و استریکلند<sup>۳</sup>:** این پرسش‌نامه برای سنجش وضعیت جایگاه مهار بیرونی و درونی افراد بزرگ‌سال ساخته شده و دارای ۴۰ سؤال است. هر سؤال به صورت دو بخشی بله و خیر پاسخ داده می‌شود. نمره هر فرد از جمع تعداد پاسخ‌هایی که با کلید پرسش‌نامه مطابقت داشته باشند، به دست می‌آید. نمره کم‌تر در این پرسش‌نامه به معنای جایگاه مهار درونی و نمره بیش‌تر به معنای جایگاه مهار بیرونی است که چنانچه نمره فردی از هشت کم‌تر باشد، نشانگر جایگاه مهار درونی شدید

1. Laraa, Lorenzia, Borbaa, Carlos & Silveirab

2. Sensation Seeking Inventory

3. Internal and External Locus of Control Inventory of Nowicki & Strickland



و چنانچه از ۱۷ بیش تر باشد، نشان دهنده جایگاه مهار بیرونی شدید است. نوویکی و استریکلند (۱۹۷۳) اعتبار آزمون را ۰/۶۱ محاسبه کردند. در مطالعات داخلی نیز اعتبار پرسش نامه ۰/۸۰ گزارش شده است (بشردوست تجلی و نوشین فرد، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر نیز اعتبار پرسش نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، بازآزمایی و دو نیمه کردن آزمون به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۷۶ و ۰/۶۹ به دست آمد. ضمناً تحلیل عاملی، دو عامل کلی جایگاه مهار درونی و جایگاه مهار بیرونی را نشان داد.

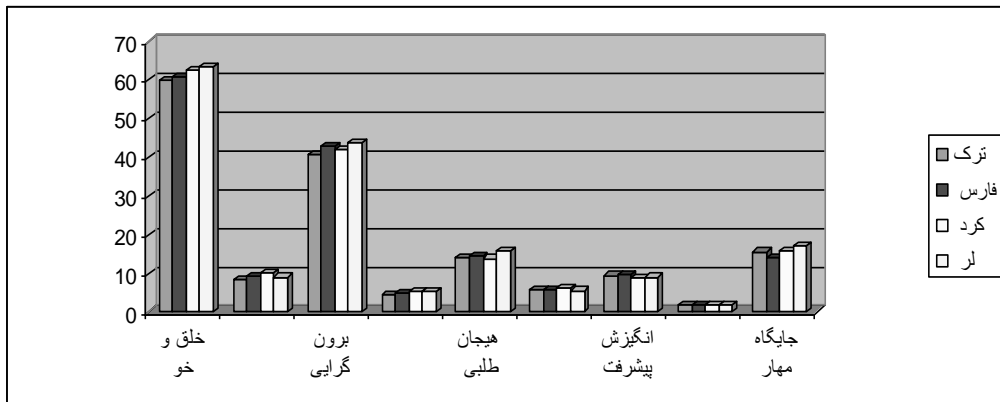
**پرسش نامه انگیزش پیشرفت<sup>۱</sup>:** این پرسش نامه از پرسش نامه رجحان‌های شخصی ادواردز استخراج شده است. به این صورت که ۱۰ سؤال آن از پرسش نامه رجحان‌های شخصی ادواردز گرفته شده و پنج گویه آن توسط کریمیان (۱۳۷۴) تهیه شده است. بنابراین، پرسش نامه نهایی حاوی ۱۵ سؤال دو جمله‌ای است که با الف و ب مشخص شده‌اند و پاسخ دهنده، پس از خواندن هر دو جمله مربوط به هر سؤال، جمله‌ای را که با آن موافق است، علامت می‌زند. اعتبار این پرسش نامه توسط کریمیان (۱۳۷۴) با استفاده از دو نیمه کردن آزمون ۰/۷۴ به دست آمده است (نقل از احقر و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر نیز، پایایی پرسش نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ و به روش بازآزمایی به فاصله دو هفته برابر با ۰/۷۰ محاسبه شد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS 19 انجام شد. برای بررسی داده‌های پژوهش، قومیت به عنوان متغیر مستقل (عامل اصلی) و جنسیت به عنوان متغیر تعدیل کننده (بلوک) یک طرح بلوکی تصادفی شده<sup>۲</sup> را تشکیل دادند. سطح معناداری آزمون باکس نیز به صورت  $(F=1/29$  و  $P=0/156)$  به دست آمد. هم‌چنین برای شناسایی حداقل تفاوت ممکن بین میانگین‌های نمرات دانشجویان قومیت‌های مختلف به صورت مقایسه زوجی از آزمون تعقیبی LSD (کمترین میزان تفاوت) استفاده شد. ضمناً نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه نشان داد که سن دانشجویان قومیت‌های مختلف تفاوت معناداری با یک‌دیگر نداشته است  $(P > 0/05)$ .

1. Achievement Motivation Inventory
2. randomized block design

## یافته‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش مبین آن بود که از مجموع ۲۲۶ شرکت کننده، تعداد ۱۱۱ نفر پسر و ۱۱۵ نفر دختر بودند. میانگین سن شرکت کنندگان ۲۳/۳۳ سال با انحراف استاندارد ۳/۰۸ بود. میانگین و انحراف استاندارد نمرات خلق و خو، برون‌گرایی، هیجان‌طلبی، انگیزش پیشرفت و جایگاه مهار دانشجویان قومیت‌های مختلف در نمودار یک ارائه شده است.



نمودار ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات خلق و خو، برون‌گرایی، هیجان‌طلبی، انگیزش پیشرفت و جایگاه مهار در دانشجویان قومیت‌های ترک، فارس، کرد و لر

در نمودار یک میانگین (ستون‌های بلندتر) و انحراف استاندارد (ستون‌های کوتاه‌تر) به نمرات خلق و خوی قومیت‌های ترک، فارس، کرد و لر به ترتیب (۵۹/۹۶، ۸/۳۶؛ ۶۰/۶۱، ۹/۳۰؛ ۶۲/۳۸، ۱۰/۰۵؛ ۶۳/۳۶، ۹/۰۷)؛ برون‌گرایی (۴۰/۸۱، ۴/۵۸؛ ۴۲/۶۹، ۴/۸۹؛ ۴۲/۱۰، ۴/۳۰؛ ۴۳/۸۲، ۵/۳۷)؛ هیجان‌طلبی (۱۴/۰۷، ۵/۶۵؛ ۱۴/۳۸، ۵/۷۳؛ ۱۳/۸۹، ۶/۰۵؛ ۱۵/۷۰، ۵/۵۵)؛ انگیزش پیشرفت (۹/۴۸، ۹/۹۳؛ ۹/۷۴، ۱/۸۷؛ ۸/۹۶، ۱/۸۱؛ ۹/۰۶، ۱/۷۱)؛ و جایگاه مهار (۱۵/۵۵، ۴/۹۲؛ ۱۴/۲۰، ۴/۹۸؛ ۱۵/۸۲، ۵/۵۷؛ ۱۷/۱۰، ۵/۲۱) مربوط بود. مقایسه میانگین نمرات با استفاده از تحلیل مانوا (طرح بلوکی تصادفی شده) در جدول یک ارائه شده است.





جدول ۱. خلاصه نتایج تحلیل مانوا مربوط به مقایسه میانگین نمرات برون‌گرایی، هیجان‌طلبی، خلق‌وخو، انگیزش پیشرفت و جایگاه مهار دانشجویان پسر و دختر قومیت‌های مختلف

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	معناداری
قومیت‌ها (عامل اصلی)	خلق‌وخو	۴۷۱/۳۹	۳	۱۵۷/۱۳	۲/۹۷	۰/۱۰۸
	برون‌گرایی	۲۵۵/۵۶	۳	۸۵/۱۸	۳/۴۱	۰/۰۳۸*
	هیجان‌طلبی	۲۱۹/۸۸	۳	۷۳/۲۹	۳/۰۱	۰/۰۹
	انگیزش پیشرفت	۲۱/۵۹	۳	۷/۱۹	۲/۱۷	۰/۱۱۱
	جایگاه مهار	۵۳۴/۶۶	۳	۱۷۸/۲۲	۴/۶۵	۰/۰۱۴*
جنسیت (بلوک)	خلق‌وخو	۱۴۸/۸۸	۱	۱۴۸/۸۸	۱/۷۵	۰/۱۸۶
	برون‌گرایی	۶۲/۹۰	۱	۶۲/۹۰	۲/۵۲	۰/۱۱۴
	هیجان‌طلبی	۳۵۰/۷۱	۱	۳۵۰/۷۱	۱۱/۰۲	۰/۰۰۱**
	انگیزش پیشرفت	۲۳/۴۷	۱	۲۳/۴۷	۷/۱۰	۰/۰۰۸**
	جایگاه مهار	۰/۱۵۷	۱	۰/۱۵۷	۰/۰۴	۰/۹۴۹
قومیت‌ها × جنسیت	خلق‌وخو	۲۹۷/۲۱	۳	۹۹/۰۷	۱/۱۷	۰/۳۲۲
	برون‌گرایی	۱۲۲/۰۹	۳	۴۰/۶۹	۱/۶۳	۰/۱۸۳
	هیجان‌طلبی	۵۳/۸۵	۳	۱۷/۹۵	۰/۵۶۴	۰/۶۳۹
	انگیزش پیشرفت	۱/۸۷	۳	۰/۶۲۶	۰/۱۸۹	۰/۹۰۴
	جایگاه مهار	۶۳/۵۹	۳	۲۱/۱۹	۰/۵۵۳	۰/۶۴۶

نتایج تحلیل مانوا در جدول یک نشان می‌دهد که از بین متغیرهای وابسته پژوهش، تنها برون‌گرایی ( $F=۳/۴۱$  و  $P=۰/۰۳۸$ ) و جایگاه مهار ( $F=۴/۶۵$  و  $P=۰/۰۱۴$ ) در بین دانشجویان قومیت‌های مختلف با یک‌دیگر تفاوت معنادار داشته‌اند؛ در حالی که خلق‌وخو ( $F=۲/۹۷$  و  $P=۰/۱۰۸$ ) و هیجان‌طلبی ( $F=۳/۰۱$  و  $P=۰/۰۹$ ) دانشجویان قومیت‌های مختلف، علی‌رغم این که مطابق نتایج نمودار یک تفاوت اندکی با یک‌دیگر داشته‌اند؛ لیکن تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین نمرات معنادار نبوده است. هم‌چنین، میانگین نمرات انگیزش پیشرفت ( $F=۲/۱۷$  و  $P=۰/۱۱۱$ ) دانشجویان قومیت‌های مختلف تفاوت معناداری با یک‌دیگر نداشته‌است؛ بنابراین، مشخص شد که میزان برون‌گرایی و جایگاه مهار دانشجویان قومیت‌های مختلف با یک‌دیگر تفاوت معنادار داشته‌است؛ در حالی که بین

خلق و خو، هیجان‌طلبی و انگیزش پیشرفت دانشجویان قومیت‌های مختلف تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتایج مقایسه زوجی میانگین نمرات برون‌گرایی و جایگاه مهار مربوط به قومیت‌های مختلف با استفاده از آزمون تعقیبی LSD در جدول دو نشان داده شده است. هم‌چنین نتایج جدول یک نشان داد میانگین نمرات هیجان‌طلبی ( $F = 11/2$  و  $P = 0/001$ ) و انگیزش پیشرفت ( $F = 7/10$  و  $P = 0/008$ ) دانشجویان دختر و پسر با یک‌دیگر متفاوت بوده است؛ در حالی که بین میانگین نمرات خلق و خو، برون‌گرایی و جایگاه مهار دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود نداشته است ( $P > 0/05$ ). لذا با توجه به میانگین نمرات هیجان‌طلبی دانشجویان پسر ( $15/80$ ) و دانشجویان دختر ( $13/30$ ) مشخص شد که میانگین نمرات هیجان‌طلبی دانشجویان پسر به صورت معناداری از دانشجویان دختر بیشتر است. ضمناً با توجه به میانگین نمرات انگیزش پیشرفت دانشجویان پسر ( $9/65$ ) و میانگین نمرات دانشجویان دختر ( $8/99$ ) مشخص شد که میانگین نمرات انگیزش پیشرفت دانشجویان پسر به صورت معناداری از دانشجویان دختر بیشتر بوده است. البته علی‌رغم تفاوت در میانگین نمرات برون‌گرایی و جایگاه دانشجویان قومیت‌های مختلف و تفاوت در میانگین نمرات هیجان‌طلبی و انگیزش پیشرفت دانشجویان پسر و دختر، نتایج جدول یک نشان می‌دهد که تعامل بین میانگین نمرات متغیرهای وابسته پژوهش در بین دانشجویان دختر و پسر قومیت‌های مختلف معنادار نبوده است ( $P > 0/05$ ).

جدول ۲. خلاصه نتایج آزمون پیگیری LSD مربوط به مقایسه میانگین نمرات برون‌گرایی و جایگاه

#### مهار دانشجویان قومیت‌ها

متغیر وابسته	مقایسه زوجی قومیت‌های مختلف	اختلاف میانگین	سطح معناداری
برون‌گرایی	کرد	لر	۰/۰۶۹
		ترک	۰/۱۷۸
		فارس	۰/۵۳۲
	لر	ترک	۰/۱۱۲*



۰/۲۲۲	۱/۱۳	فارس		جایگاه مهار
۰/۰۵۷	-۱/۸۸	فارس	ترک	
۰/۰۸	-۱/۲۸	لر	کرد	
۰/۵۷	۰/۲۷	ترک		
۰/۰۴۶*	۱/۶۲	فارس	لر	
۰/۰۷	۱/۵۵	ترک		
۰/۰۳۷*	۲/۸۰	فارس		
۰/۰۵۵	۱/۳۵	فارس	ترک	

نتایج نمودار یک نشان داد، هرچند بین میانگین نمرات هیجان‌طلبی، انگیزش پیشرفت و خلق‌وخوی دانشجویان قومیت‌های ترک، فارس، کرد و لر تفاوت اندکی وجود داشته است، نتایج جدول یک نشان داد که این تفاوت‌ها معنادار نبوده است ( $P > ۰/۰۵$ )؛ و صرفاً تفاوت بین میانگین نمرات برون‌گرایی و جایگاه مهار تفاوت معنادار داشته است. بر این اساس نتایج جدول دو مربوط به مقایسه زوجی میانگین‌های نمرات گروه‌ها نشان داد که صرفاً میانگین نمرات برون‌گرایی دانشجویان قومیت لر به صورت معناداری از قومیت ترک ( $P = ۰/۰۱۲$ ) بیش‌تر است، در حالی که با وجود مقداری اختلاف بین میانگین نمرات دیگر گروه‌ها با یک‌دیگر، این تفاوت‌ها معنادار نبوده است ( $P > ۰/۰۵$ ). هم‌چنین مشخص شد که میانگین نمرات جایگاه مهار قومیت فارس از دو قومیت کرد ( $P = ۰/۰۴۶$ ) و لر ( $P = ۰/۰۳۷$ ) کم‌تر است و بین میانگین دیگر قومیت‌های با یک‌دیگر تفاوت معناداری وجود نداشته است ( $P > ۰/۰۵$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی و مقایسه برخی ویژگی‌های شخصیتی مانند خلق‌وخو، برون‌گرایی، هیجان‌طلبی، انگیزش پیشرفت و جایگاه مهار در بین دانشجویان قومیت‌های ترک، فارس، کرد و لر بود.

نتایج به‌دست آمده از پژوهش مبین آن بود که میانگین نمرات برون‌گرایی و جایگاه مهار دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف با یک‌دیگر متفاوت بوده است؛ در حالی که

میانگین نمرات خلق و خو، هیجان‌طلبی و انگیزش پیشرفت دانشجویان قومیت‌های مختلف با یک‌دیگر تفاوت معناداری نداشته است.

نتایج برخی از پژوهش‌های قبلی نیز بیانگر آن است که اعضای گروه‌های اجتماعی و فرهنگی ممکن است دارای برخی از ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی خاصی باشند که از فرهنگ متأثر است و بر فرهنگ نیز تأثیر می‌گذارد (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۵). این تفاوت‌ها در خلال مطالعات بین فرهنگی به صورت‌های مختلفی گزارش شده است که می‌توان علاوه بر مطالعات پیرامون تفاوت بین ویژگی‌های کلی شخصیتی، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی، افراد و گروه‌ها که توسط مارکوس و کیتایا (۱۹۹۸)؛ فیسک و کاگیت‌جی‌باشی (۱۹۹۹) و چارچ و کتیگ‌بک (۲۰۰۵) گزارش شده است، به تفاوت‌هایی در زمینه ویژگی‌های روان‌شناختی (کیم و چائو، ۲۰۰۹)، آسیب‌ها و آسیب‌پذیری روان‌شناختی و شخصیتی (لاین، ۲۰۰۲؛ سلیبی و جویز، ۲۰۰۸)، نحوه پاسخ به درمان و میزان بهبودی (استین و همکاران، ۲۰۱۰) در بین اعضای متعلق به قومیت‌های مختلف اشاره کرد. هرچند به نظر می‌رسد که برای شناخت ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی افراد متعلق به قومیت‌های مختلف به اطلاعات و مطالب گسترده‌تری نیاز است و صرفاً نمی‌توان با دو ویژگی کلی فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی این تفاوت‌ها را شناسایی کرد.

مقایسه میانگین نمرات برون‌گرایی دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف نشان داد که دانشجویان قومیت لر دارای بالاترین میزان برون‌گرایی بودند و بعد از آن دانشجویان قومیت‌های فارس، کرد و ترک قرار داشته‌اند. با این حال، صرفاً میانگین نمرات برون‌گرایی دانشجویان قومیت لر نسبت به دانشجویان قومیت ترک به صورت معناداری بالاتر بوده است. حال آن‌که میانگین نمرات دانشجویان قومیت لر نسبت به دانشجویان قومیت‌های کرد و فارس و هم‌چنین میانگین نمرات دانشجویان قومیت فارس نسبت به دانشجویان قومیت‌های کرد و ترک هرچند بالاتر بوده، لیکن میزان تفاوت معنادار نبوده است. بنابراین نتیجه‌گیری شد که دانشجویان قومیت لر نسبت به دانشجویان



قومیت ترک برون‌گراتر هستند. اگرچه مطالعات چندانی در خصوص ویژگی‌های شخصیتی افراد متعلق به قومیت‌های خاص در ایران انجام نشده است.

نتایج برخی مطالعات انجام‌شده درباره وضعیت روان‌شناختی گروه‌های بزرگ‌تر به صورت تلویحی با نتایج این پژوهش همسویی دارد. به عنوان مثال، مطالعات نشان داده‌اند که شرقی‌ها به دلیل ویژگی جمع‌گرایی که از آن برخوردارند نسبت به غربی‌ها برون‌گراتر هستند، به همین اعتبار چون ایرانی‌ها نسبت به دیگر قومیت‌های آسیایی جمع‌گراتر هستند، نسبت به این گروه‌ها برون‌گراتر هستند. برای مثال، محمدی (۱۳۸۷) نشان داده است که معلمان ایرانی در مقایسه با معلمان هندی برون‌گراتر هستند. هم‌چنین نتیجه مطالعه مرادی و شاهقلیان (۱۳۸۶) نیز بیانگر آن است که قومیت‌های ایرانی (ترک، فارس، کرد و لر) از نظر ویژگی‌های هیجانی و بروز هیجان‌ها در شرایط یک‌سان و مناسبی قرار دارند. با این حال، افراد متعلق به قومیت لر در بروز آزادانه هیجان‌ها که از ویژگی‌های افراد برون‌گرا و هیجان‌طلب است، از دیگر گروه‌ها بالاتر بوده‌اند. در این پژوهش نیز افراد متعلق به قومیت لر به دلیل ویژگی‌هایی که در ادامه خواهد آمد، اندکی نسبت به دیگر قومیت‌ها، برون‌گراتر بودند. البته باید در نظر داشت که برون‌گرایی در وهله اول یک ویژگی، مثبت یا منفی مطلق، به حساب نمی‌آید؛ بلکه بر اساس ویژگی‌های محیطی-اجتماعی و شرایطی که افراد در آن به سر می‌برند، دارای بار ارزشی می‌شود. ضمناً مطابق الگوی ارائه‌شده در پرسش‌نامه پنج‌عاملی نئو، نظریه شخصیتی آیزنک و حتی نظریه پنج‌عامل بزرگ ایرانی (فراهانی، ۱۳۸۸)، موضوع صرفاً به بُعد برون‌گرایی محدود نمی‌شود؛ بلکه دارای زیرمقیاس‌هایی هم‌چون صمیمیت، جمع‌گرایی، قاطعیت، جنب‌وجوش و فعالیت و هیجان‌طلبی را نیز شامل می‌شود. بر این اساس، سراج‌زاده و ادهمی (۱۳۸۷) نشان دادند که میزان مشارکت در کانون‌های تیمی، ورزشی و علمی که از مصادیق برون‌گرایی و اجتماعی بودن است، در بین دانشجویان قومیت لر بالاتر از دانشجویان قومیت‌های ترک، فارس و کرد بوده است. هم‌چنین، این موضوع در بررسی‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی و خاطرات برخی سفرنامه‌نویسان نیز تأیید شده

است (مرکز فرهنگی موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵؛ سکویل - وست، ترجمه توکلی، ۱۳۸۰).

هم‌چنین نتایج پژوهش نشان داد که میانگین نمرات خلق‌وخو و هیجان‌طلبی دانشجویان قومیت‌های مختلف تا حدودی با یک‌دیگر اختلاف داشته است؛ هر چند که این میزان اختلاف از نظر آماری معنادار نبوده است. این اختلاف در میانگین و به خصوص بالاتر بودن میانگین نمرات خلق‌وخو و هیجان‌طلبی دانشجویان قومیت لر واجد نکات قابل بحثی است: اولاً همان‌طوری که گفته شد، خلق‌وخو دارای مؤلفه‌های مختلفی است که مهم‌ترین آن‌ها اجتماع‌پذیری است که هم‌ارز برون‌گرایی به حساب می‌آید و هم‌چنین هیجان‌طلبی است که در همین راستا در نظر گرفته می‌شود. از ابتدای تولد، سه سرشت اجتماع‌پذیری، هیجان‌پذیری و سطح فعالیت وجود دارد که اسکلت شخصیت به حساب می‌آیند (کاویانی، ۱۳۸۶).

بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بخشی از تفاوت به‌وجودآمده در میانگین نمرات خلق‌وخو به برون‌گرایی و هیجان‌طلبی مربوط است که دانشجویان قومیت لر در این دو ویژگی نمرات بالاتری به دست آورده‌اند. نتایج به دست آمده در این پژوهش تا حدودی با نتایج مطالعات قبلی مشابه است؛ هرچند میزان تفاوت بین میانگین‌ها معنادار نبوده است. برای مثال، این پژوهش با پژوهش دی‌بو و کلک (۲۰۰۷) که نشان دادند خلق‌وخوی نوجوانان متعلق به قومیت‌های مختلف هلندی، ترک‌تبار، مراکشی‌تبار و نمونه‌ای از قومیت‌ها و جنسیت‌های درهم ساکن در هلند از نظر عاطفه منفی و کنترل با یک‌دیگر متفاوت هستند، مشابه است. با این حال، نبود تفاوت اساسی در میانگین نمرات خلق‌وخوی دانشجویان قومیت‌های مختلف را می‌توان ناشی از این دانست که تفاوت‌های فرهنگی و حتی ژنتیکی یادشده در پژوهش‌های خارجی بسیار عمیق‌تر از میزان تفاوت در پژوهش حاضر بوده است.

هرچند میانگین نمرات هیجان‌طلبی دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف معنادار نبوده است، ولی این نکته مشخص شد که میانگین نمرات هیجان‌طلبی دانشجویان قومیت لر از دیگر گروه‌ها و حتی میانگین کل نمونه بالاتر بوده است. بخشی از دلایل این



موضوع را می‌توان به برون‌گرایی و خلق‌وخوی کلی نسبت داد که اتفاقاً در بین دانشجویان قومیت لر از دیگر قومیت‌ها بالاتر بود. نتایج مطالعات خارجی نشان می‌دهد که افراد با هیجان‌طلبی بالا دارای ویژگی‌هایی هم‌چون برون‌گرایی، خودمختاری و جسارت و ناهماهنگی هستند (زاکرمن، ۱۹۶۹؛ به نقل از شولتس و شولتس، ۲۰۰۹). نتیجه مطالعه مرادی و شاهقلیان (۱۳۸۶) نیز بیانگر آن است که دانشجویان قومیت لر دارای کم‌ترین میزان کنترل هیجانی و دانشجویان قومیت فارس دارای بیش‌ترین میزان کنترل هیجانی هستند.

میانگین نمرات انگیزش پیشرفت نیز بیانگر آن بود که بین انگیزش پیشرفت دانشجویان قومیت‌های مختلف تفاوت چندانی وجود نداشته است. بنابراین، چون پژوهش‌های مشابهی بر قومیت‌ها انجام نشده است، صرفاً می‌توان نتایج پژوهش حاضر را با نتایج پژوهش مک‌کلند (۱۹۶۱؛ به نقل از رایکمن، ۲۰۰۸) مقایسه کرد که طی آن نشان داد که فرهنگ‌های پروتستان در مقایسه با کاتولیک‌ها، به دلیل آموزه‌های دینی و اجتماعی مبتنی بر سخت‌کوشی و تلاش، انگیزش پیشرفت بالاتری را در افراد ایجاد می‌نمایند. هرچند از این منظر، نتایج پژوهش حاضر با پژوهش مک‌کلند در تضاد قرار می‌گیرد، باید در نظر داشت که عمده تفاوت گزارش‌شده در تحقیق مک‌کلند به تفاوت‌های مذهبی و انجام مطالعه در کشورهای مختلف مربوط بوده است؛ در حالی که دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر از نظر مذهب، زبان رسمی کشور، پرچم و دیگر خصایص، تفاوت چندانی با یک‌دیگر نداشته‌اند. از سوی دیگر، نتایج مطالعه اتکینسون و همکاران (۱۹۷۰؛ به نقل از شولتس و شولتس، ۲۰۰۹) آشکار کرد جوانانی که دارای انگیزش پیشرفت بالا هستند، به شیوه‌های کاملاً متفاوتی عمل می‌کنند که از جمله می‌توان به علاقه و تمایل شدید آنان به کسب علم و تحصیلات دانشگاهی اشاره کرد؛ چون شرکت‌کنندگان مطالعه حاضر نیز همگی دانشجو بوده‌اند، لذا از انگیزش پیشرفت بالا، بیش‌تر از میانگین جامعه خود، برخوردار بوده‌اند.

میانگین نمرات جایگاه مهار دانشجویان قومیت فارس از میانگین نمرات دانشجویان قومیت‌های دیگر کم‌تر و میانگین نمرات دانشجویان قومیت لر از میانگین

نمرات دیگر قومیت‌ها بیش‌تر بود. با این حال، صرفاً میانگین نمرات جایگاه مهار دانشجویان قومیت فارس در مقایسه با قومیت‌های کرد و لر به صورت معناداری پایین‌تر بود و بین میانگین نمرات دیگر قومیت‌ها تفاوت معنادار مشاهده نشد.

بنابراین، نتیجه‌گیری شد که اولاً دانشجویان قومیت‌های مختلف از نظر جایگاه مهار با یکدیگر تفاوت دارند و در ثانی، دانشجویان قومیت فارس از نظر جایگاه مهار نسبت به دانشجویان قومیت کرد و لر دارای جایگاه مهار درونی تری هستند و دانشجویان قومیت کرد و به‌ویژه قومیت لر دارای جایگاه مهار بیرونی تری هستند. به نظر می‌آید که وضعیت جایگاه مهار دانشجویان با وضعیت برون‌گرایی آنان در ارتباط است. بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که دانشجویان قومیت لر به دلیل نمرات بالاتری که در مقیاس برون‌گرایی به دست آوردند، جایگاه مهار آن‌ها نیز بیرونی‌تر گزارش شود.

یافته این پژوهش با برخی پژوهش‌های قبلی که نشان داده‌اند جایگاه مهار در گروه‌های مختلف متفاوت است، هم‌خوانی دارد. برای مثال، اسپکتور<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) با مقایسه ویژگی‌های شخصیتی افراد در ۲۴ کشور مختلف جهان، دریافت که جمع‌گرایی با جایگاه مهار بیرونی همراه است. ایرانی‌ها نیز از جمله ملت‌هایی هستند که جمع‌گرایی بالایی دارند و به نظر می‌رسد که در مقیاس جایگاه مهار بیرونی نمرات بالایی کسب می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۷). هم‌چنین، یافته ذکر شده، با مطالعه چه‌یونگ و همکاران (۲۰۰۶) و بشردوست تجلی و نوشین‌فرد (۱۳۸۲) هم‌سویی کامل دارد. در واقع، مطالعات خارجی نشان داده‌اند که جایگاه مهار با توجه به تفاوت‌های نژادی، اجتماعی و اقتصادی توجیه و تبیین‌پذیر است؛ به طوری که افراد طبقه‌های پایین جامعه و اقلیت‌ها، به استثنای شرقی‌ها، جایگاه مهار بیرونی تری را نمایان می‌کنند (کلمن و همکاران، ۱۹۶۶؛ به نقل از شولتس و شولتس، ۲۰۰۹). بنابراین، می‌توان این‌گونه توجیه کرد که چون دانشجویان قوم فارس به عنوان گروه اکثریت و نزدیک به فرهنگ رسمی ایران محسوب می‌شوند، از جایگاه مهار درونی تری برخوردار بوده‌اند و دانشجویان قومیت‌های کرد و لر به دلیل اقلیت بودن از جایگاه مهار بیرونی تری برخوردار بوده‌اند. دانشجویان متعلق به قومیت ترک نیز حد واسط





این دو قرار می‌گیرند که می‌توان جمعیت قابل ملاحظه و رواج زبان ترکی در استان‌های شمال غربی را دلیل اصلی آن معرفی کرد.

ضمناً نتایج این پژوهش نشان داد که میانگین نمرات هیجان‌طلبی و انگیزش پیشرفت دانشجویان پسر به صورت معناداری بیش‌تر از میانگین نمرات دانشجویان دختر بوده است. زاگرم (۱۹۶۹؛ به نقل از رایگمن، ۲۰۰۸) نیز یادآوری کرده است که هیجان‌طلبی با جنسیت ارتباط دارد و پسران در این خصلت نمرات بالاتری به دست می‌آورند. هم‌چنین، نتایج پژوهش‌های خارجی نشان داده است که پسران نسبت به دخترها در مقیاس‌های انگیزش پیشرفت، نمرات بالاتری به دست می‌آورند (شولتس و شولتس، ۲۰۰۹). البته این موضوع امروزه با چالش مواجه شده است و برخی آن را به کلیشه‌های ذهنی در باب جنسیت نسبت می‌دهند. در این خصوص، نتیجه یک مطالعه نشان داد که هرچند طرحواره‌های جنسیتی زنانه و مردانه در بین دانشجویان قومیت‌های فارس و کرد تفاوت نداشته است، لیکن در خصوص کلیشه‌های ذهنی زنانه بین دانشجویان پسر قومیت فارس و کرد تفاوت مشاهده شد: هم دانشجویان قومیت فارس و هم قومیت کرد صفات مردانه را مثبت‌تر از صفات زنانه ارزیابی کردند (خمسه، ۱۳۸۷).

به طور کلی می‌توان از نتایج این پژوهش نتیجه‌گیری کرد که هرچند مطالعات قبلی نشان داده‌اند که از روی برخی شرایط و تعاملاتی که بین شخصیت، موقعیت و شرایط محیطی و فرهنگی که بر یک جامعه حاکم است، می‌توان برخی ویژگی‌های شخصیتی را تبیین کرد، به نظر می‌رسد که این ویژگی‌ها، بزرگ‌تر و کلی‌تر از آن هستند که بتوان آن‌ها را در خرده‌فرهنگ‌های مربوط به یک فرهنگ کلی تبیین و توجیه کرد. کما این که در مطالعه کاظمی و نادری (۱۳۹۲) نیز مشخص شد که بین سبک‌های هویت‌یابی سه دسته از دانشجویان ترکمن، کرد و مازنی تفاوت معناداری وجود ندارد. به هر جهت، چون مطالعات چندانی بر ویژگی‌های شخصیتی قومیت‌های مختلف، چه در داخل و چه در خارج، انجام نشده است، مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش‌هایی که بر ویژگی‌های شخصیتی فرهنگ‌های مختلف انجام شده است، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. به ویژه که مؤثرترین عوامل بر نتایج مطالعات خارجی از جمله پژوهش‌های

مک کلند و زاگرن، عوامل زبان، تاریخ و مذهب بوده‌اند. در حالی که در پژوهش حاضر، اگرچه شرکت کنندگان از چهار قومیت مختلف انتخاب شده بودند، لیکن در جنبه‌های اساسی فرهنگ مانند دین، زبان رسمی، پرچم و... مشترک بوده‌اند.

البته باید در نظر داشت که مطابق گفته پدرس (۱۹۹۱)؛ به نقل از سیمانویتز و پیرس، (۲۰۰۳) در خلال مطالعات بین فرهنگی نمی‌توان به صورت افراطی به یک سوی پیوستار آلفا یا بتا گرایش پیدا کرد و مدعی نبود تفاوت یا تفاوت‌های بسیار عمیق بین افراد در خرده فرهنگ‌های مختلف شد؛ بلکه همانند دیگر موضوعات روان‌شناسی این موضوع نیز یک بحث چندجانبه است که باید به دور از هر گونه افراط‌گرایی به آن نگریست و درباره آن مطالعه کرد و لاجرم وضعیت بین حالت آلفا و بتا را برای آن به تصویر کشید.

در مجموع تشابهات - و تا حدود کم‌تر تفاوت‌های - مشاهده شده در بین ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان متعلق به قومیت‌های مختلف را می‌توان به تفاوت‌ها و تشابهات منتسب به خرده فرهنگ اسناد داد. در واقع، مفهوم وسیع و گسترده فرهنگ به شیوه‌های کلی زندگی مردم در هر جامعه اطلاق می‌شود؛ در حالی که خرده فرهنگ به گروه کوچک‌تری اطلاق می‌شود که هر چند واجد ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های زندگی خاص خود است، در عین حال به فرهنگ بزرگ‌تر وابسته است. یعنی ارزش‌ها و هنجارها چه در سطح فرهنگ و چه خرده فرهنگ تعیین کننده رفتار و نحوه بروز هیجانات هستند (ستوده، ۱۳۸۰؛ به نقل از مرادی و شاهقلیان، ۱۳۸۶). در ایران چون خرده فرهنگ اصلی، و چه بسا فرهنگ کلی، فارس است و از نظر نحوه استقرار، این خرده فرهنگ در کشور در همسایگی و مجاورت دیگر خرده فرهنگ‌های ترک، کرد و لر قرار دارد، تناسب و هماهنگی بیش‌تری با فرهنگ کلی ایران دارد. افزون بر این، دیگر خرده فرهنگ‌ها به دلیل همسایگی با این خرده فرهنگ، مهاجرت، ازدواج‌های دوطرفه، دین واحد و مشترک، ویژگی کلی جمع‌گرایی، رسانه ملی واحد (تلوزیون)، برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مشترک و پرچم، در بسیاری از ویژگی‌هایی که در این مطالعه به آن‌ها اشاره شد و دیگر ویژگی‌های احتمالی که به آن‌ها اشاره نشد، دارای اشتراکات زیادی هستند.



انجام این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بود که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: به دلیل این که شرکت کنندگان پژوهش همگی دانشجویان بودند و دانشجویان در همه فرهنگ‌ها معمولاً از نظر انگیزش پیشرفت از شرایط مناسبی برخوردار هستند، لذا نمی‌توانند معرف مناسبی برای بررسی انگیزش پیشرفت افراد یک فرهنگ یا یک خرده فرهنگ باشند و باید این مطالعه بر گروه‌های مختلف جامعه انجام شود. از طرف دیگر، چون در کشور ما به لحاظ حاکمیت اسلام و معیارهای اخلاق اسلامی، چندان فضایی برای بروز رفتارهای هیجان‌طلبانه، آن گونه که در نظر زاکرمن و محققان غربی است، وجود ندارد، دانشجویان قومیت‌های مختلف بیش‌تر تحت تأثیر هنجارهای فرهنگ اسلامی-ایرانی هستند تا معیارهای غربی. هم‌چنین، با توجه به تفاوت‌های درون‌گروهی (در داخل هر کدام از خرده فرهنگ‌های این مطالعه به دلیل وجود قومیت‌ها، طایفه‌های گسترش یافته در استان‌های مختلف) هیچ کدام از این نمونه‌های در نظر گرفته شده نمی‌توانند معرف واقعی قومیت ترک، فارس، کرد و لر به حساب آیند؛ بنابراین چون در این پژوهش این ویژگی‌ها، کنترل یا هم‌تا نشده بود، تعمیم نتایج به دیگر اعضای قومیت‌های مطالعه شده باید با احتیاط صورت گیرد و موضوع در پژوهش‌های آینده بر نمونه بزرگ‌تری غیر از دانشجویان و با تعداد بیش‌تری از گروه‌های متناسب به یک قومیت انجام پذیرد.

## منابع

- احقر، قدسی، حسینی، نرگس، اکبری، ابوالقاسم و شریفی، نسترن (۱۳۸۸). پرسش‌نامه‌های پژوهشی در زمینه روان‌شناسی، مشاوره، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
- احمدی، حمید (۱۳۸۶). قومیت و قوم‌گرایی در ایران (افسانه و واقعیت)، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- بشردوست تجلی، فریبا و نوشین‌فرد، مریم (۱۳۸۲). قومیت‌های و منبع کنترل درونی - بیرونی، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ۱۸، ۸۴-۶۵.
- حق‌شناس، حسن (۱۳۸۸). روان‌شناسی شخصیت، شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز، چاپ اول.

- حقیقی، حسن، شکرکن، حسین، شهنی بیلاق، منیجه و نیسی، علی (۱۳۸۵). رابطه الگوی پنج عاملی شخصیت با احساس شادکامی در دانشجویان دوره کاشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ نشده.
- خمسه، اکرم (۱۳۸۷). بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر طرح‌واره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران. مطالعات روان‌شناختی، ۳ (۲)، ۱۴۶-۱۲۹.
- سراج‌زاده، سیدحسن و ادهمی، جمال (۱۳۸۷). بررسی تفاوت‌های قومیتی دانشجویان از نظر فعالیت در کانون‌های فرهنگی دانشگاه‌ها. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱ (۲)، ۱۵۸-۱۳۵.
- سکویل - وست، ویتا (۱۳۸۰). دوازده روز در کوهساران بختیاری جنوب غربی ایران. تهران: نشر نی: چاپ اول.
- فراهانی، محمد نفی (۱۳۸۸). پنج صفت بزرگ ایرانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه تربیت معلم، چاپ اول.
- فرید، محمد صادق (۱۳۷۲)، مبانی انسان‌شناسی، تهران: انتشارات منصوری: چاپ دوم.
- کازمی، فاطمه، نادری، حبیب‌الله (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک‌های هویت‌یابی و هویت قومی در دانشجویان گروه‌های قومی ترکمن، کرد و مازنی. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۳ (۱۲)، ۹۳-۷۹.
- کاویانی، حسین (۱۳۸۶). نظریه زیستی شخصیت، تهران: انتشارات نشر کاویان، چاپ دوم.
- محمدی، شهناز (۱۳۸۷). ارتباط بین فرهنگی دو کشور ایران و هند در خصوص ویژگی‌های شخصیتی و رابطه آن با خشنودی شغلی دبیران. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳ (۱۵)، ۵۲-۳۳.
- مرادی، علی‌رضا و شاهقلیان، مهناز (۱۳۸۶). آلکسی تیمیا و سبک‌های ابراز هیجان در خرده فرهنگ‌های ایرانی. فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ۲ (۷)، ۹۹-۸۳.
- مرکز پژوهش‌های فرهنگی موسسه انتشارات امیرکبیر (۱۳۸۵). مجموعه ایران ما (لرها)، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- Brown, R. A. (2010). Perceptions of psychological adjustment, achievement outcomes, and self-esteem in Japan and America. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 41 (1), 51-62.
- Chapman, M & Skinner, E. A & Baltes, P. B. (1990). Interpreting correlations between children's perceived control and cognitive performance: Control, agency, or means - ends beliefs? *Developmental Psychology*, 26 (3), 246-253.
- Cheung, Sh. F., Cheung, F. M., Howard, R. & Hong lim, Y. (2006). Personality across the ethnic divide in Singapore: are Chinese traits



- uniquely Chinese. *Personality and Individual Differences*, 41(3), 467-477.
- Chinga, Ch. M., Churcha, T. M., Katigbaka, M. S., Locke, K. D., Vargas-Flores, J. J., Ibáñez-Reyesc, J., Moriod, H. et al. (2013). Cross-cultural generalizability of the personality and role Identity structural model (PRISM): Implications for trait and cultural psychology. *Journal of Research in Personality*, 47 (6), 894–907.
- Church, A. T., & Katigbak, M. S. (2005). Personality structure across cultures. in A, Elias, S, E. Hampson, S. E., & B, De Raad (Eds), *Advances in personality psychology* (pp. 124-154), New York: Psychology press.
- Cloninger, S. C. (2004). *Theories of personality: understanding persons*. New Jersey: Pearson Prentice Hall.
- De Boo, G. M., Kolk. A. M. (2007). Ethnic and gender differences in temperament, and the relationship between temperament and Depressive and Aggressive mood. *Personality and Individual Differences*, 43(7), 1756-1766.
- Dunkel, C. S., Reeve, Ch, J., Woodley.,M. A., & Van der Linden, D. (2015). A comparative study of the general factor of personality in Jewish and non-Jewish populations. *Personality and Individual Differences*, 78, 63-67.
- Dwairy, M. A. (2002). Psychotherapy in competition with culture: A case study of an arab woman. *Clinical Case Studies*, 1, 254-267.
- Dwairy, M. A. (2006). *Counselling and psychotherapy with Arabs and muslims: a culturally sensitive approach*. New York: Teachers College in Columbia University press.
- Fisek, G. O., & Kagitcibasi, C. (1999). Multiculturalism and psychotherapy: The Turkish case. In P. B. Pedersen (Ed.), *Multiculturalism as a fourth force*. (pp 75–92), Philadelphia: Brunner- Mazel.
- Gokçen, E., Furnham, A., Mavroveli, S., & Petrides, K. V. (2014). A cross-cultural investigation of trait emotional intelligence in Hong Kong and the UK. *Personality and Individual Differences*, 65, 30–35.
- Hogan, R. & Harris Bond, M. (2009). Culture and personality. In Corr, Ph. J. & Mathews, G (Eds). *The Cambridge handbook of personality psychology*, Cambridge: Cambridge university press.
- Kagan, J., Reznick, J. S., & Snidman, N. (1988). Biological bases of childhood shyness. *Science*, 240, 167–171
- Kagan, J.; Snidman, N. (2009). *The Long Shadow of Temperament*. President and fellows of Harvard college.
- Kaplan, h. & Sadock, B. (2005). *Comprehensive Text Book of Psychiatry*, 8<sup>th</sup> Lippincott Williams & Wilkins.

- Kim, S. Y. & Chao, R. K. (2009). Heritage language fluency, ethnic identity, and school effort of immigrant Chinese and Mexican adolescents. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 15(1), 27-37.
- Laraa, D. R., Lorenzia, T. M., Borbaa, D. L., Carlos, L., Silveirab., L. & Caroline, T. (2008). Reppold. Development and validation of the Combined Emotional and Affective Temperament Scale (CEATS): Towards a brief self-rated instrument. *Journal of Affective Disorders*, 111( 2-3), December, 320-333.
- Leigh, H. (2010). *Genes, Memes, culture and mental illness: toward an integrative model*. London: Springer.
- lynn, R. (2002). Racial and ethnic differences in psychopathic personality. *Personality and Individual Differences*, 32(2), 273-316.
- Maddi, S, R. (1989). *Personality Theories: A Comparative Analysis*. California: Pacific Grove. Books/ Cole.
- Markis. H. R. (2004). Cultur and personality. Brief for and arranged marriage. *Journal of Research in Personality*, 38, 75- 83.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1998). The cultural psychology of personality. *Journal of Cross – Cultural Psychology and Research*, 29(1), 63-87.
- Matsum, T. C.(2008). *Culture and Psychology*, President and fellows of Harvard college.
- Mizuno, K. & Tanaka, M. & Ishii, A. & Tanabe, H. (2008). The neural basis of academic achievement motivation. *NeuroImage*, 42(1), 369-378.
- Pannells, T. M. & Claxton, A. F. (2008). Happiness, Creative Ideation, and Locus of Control. *Creativity Research Journal*, 20 (1), 67 – 71.
- Ryckman, R. M. (2008). *Theories of Personality*, Belmont: Thomson West.
- Schults, D. P. & Schults, S. E. (2009). *Theores of personality*, Belmont: Wadsworth press.
- Selby, E. A. & Joiner, T. E. (2008). Ethnic variations in the structure of borderline personality disorder symptomatology. *Journal of Psychiatric Research*, 43(2), 115-123.
- Simanowitz, V. & Pearce, P. (2003). *Personality development*. New York: McGraw – Hill Education.
- Singelis, T. M. (1994). The measurement of independent and interdependent self-construals. *Personality and social psychology Bulletin*, 20, 580-591.
- Skeem, J. L., Edens, J. F., Sanford, G. M. & Colwell, L. H. (2003). Psychopathic personality and recial/ ethnic differences reconsidered: a reply to Lynn (2002). *Personality and Individual Differences*, 35(6), 1439-1462.



- Stein, G. L., Curry, J. F., Hersh, J. & Breland –Noble, A. (2010). Ethnic differences among adolescents beginning treatment for depression. *Culture Diversity and ethnic Minority psychology*, 16(2), 152-158.
- Stevenson, A. (2010). *Cultural issues in psychology*. New York: Routledge.
- Strelau, J., & Zawadzki, B. (2005). The functional significance of temperament empirically tested. in A. Elias., S. E. Hampson, S. E., & B. De Raad (Eds), *Advances in personality psychology* (pp. 17-40), New York: Psychology press.
- Stupar, S., Van de Vijver, F. J., Lindert., A. T., & Fontaine., J. R. (2014). Multicultural attitudes mediate the relation between personality and perceived ethnic outgroup distance in the Netherlands. *International Journal of Intercultural Relations*, 38, 24-35.
- Verkuysten, M. (2005). *The social psychology of ethnic identity 1 th*. New York: Psychology press.
- Wilde, D. J. (2011). *Jung s personality theory quantified*. London: Springer
- Worobey. J. (2001). Associations between temperament and love attitudes in a college sample. *Personality and Individual Differences*, 31(3), 461-469.
- Yagmurlu, B. & Sanson, A. (2009). Parenting and temperament as predictors of prosocial behaviour in Australian and Turkish Australian children, Published in: *Australian Journal of Psychology*, 61(2), 77 – 88.
- Yeh, C., & Inose, M. (2002). Difficults and coping strategies of Chinese, Japanese and Corean immigrant students. *Adolescence*, 37, 69-82.
- Zukerman, M. (2003). Are there racial and ethnic differences in psychopathic personality. *Personality and Individual Differences*, 35(6), 1463-1469.
- Zukerman, M. (2005). *Psychobiology personality* (3 ed), Cambridge University Press.